یادداشت روز ...

آیا پیام مشارکت بسیار پایین در انتخابات تهران را گرفته ایم یا مثل وزیر کشور آن را حماسه می دانیم؟

عباس عبدی

کسی که دور اول ۳۰۰ هزار رأی آورده در دور دوم ۲۲۷ هزار رأی آورده، یعنی در این فاصله ۶۳ هزار رأی هم از او کم شده است!! این وضعیت نشان می دهد که دور اول مشارکت انتخاباتی نیز واجد معنای روشن سیاسی و پایدار نبوده است. شاید فقط برای انجام یک تکلیف صوری بوده که انتخابات واجب را در دور اول انجام داده‌اند و از خیر انجام انتخابات مستحبی! دور دوم گذشتند.

در روزنامه اعتماد نوشت: دور دوم انتخابات مجلس در برخی شهرها به‌ویژه تهران نتایج عجیبی داشت. ریزش مشارکت بسیار زیاد بود و به حدود یک سوم دور اول رسید. دور اول نیز بسیار کم و در حدود ۲۲درصد بود. البته بخش مهمی از این مشارکت، مربوط به مناطق اطراف تهران است و اگر فقط آمار مناطق ۲۲گانه تهران در اختیار باشد نتایج به ۱۵- ۱۰ درصد در دور اول و زیر ۵ درصد در دور دوم می‌رسد.

این کاهش رأی به گونه‌ای بود که برخی از اصول‌گرایان شاخص نیز آن را نشانه قاطعی از رد جناح غالب از سوی مردم دانستند. حتی وزیر کشور نیز که در توصیف حماسی بودن این مشارکت ۷درصدی توییت زده بود، مجبور به حذف آن شد. پرسش این است که چه اتفاقی در تهران افتاد؟ ابتدا به این نکته اشاره شود که آقای وزیر کشور در توجیه چرایی مشارکت بسیار پایین دور دوم توضیح داده که: «همیشه در انتخابات مرحله دوم اینطور معمول بوده که میزان مشارکت کمتر شده است اما در این مرحله از مرحله دوم دور قبل مشارکت بیشتری – حدود ۶ درصد – رخ داده است و تقریبا دوبرابر شده است.»

متاسفانه هنوز آمار رسمی از درصد مشارکت در حوزه‌های دور دوم اعلام نشده؛ ولی تمرکز افکار عمومی روی تهران است. هم به عنوان پایتخت و هم به عنوان بزرگ‌ترین حوزه انتخابی کشور و هم از حیث اهمیت نامزدهایی که رأی می‌آورند. این نسبت یک سوم مشارکت در دور اول و حدود ۷ درصد واجدین حق رأی است. البته به‌طور متعارف در دور دوم ریزش مشارکت صورت می‌گیرد، ولی ریزش در این حد اصلا عادی نیست.

برای نمونه در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۴، مشارکت در دور اول ۲۹,۴ میلیون نفر بود؛ در دوم ۲۸ میلیون نفر شد که فقط ۵ درصد ریزش داشت. در حالی که در دور اول فقط ۴۰ درصد مردم رای به دو نفری داده بودند که به دور دوم آمدند، و ۶۰ درصد بقیه به ۵ نامزد حذف شده رای داده بودند. ولی آنها بی‌تفاوت نماندند و برای دور دوم هم پای صندوق آمدند تا یکی را بر دیگری ترجیح دهند. در دور اول انتخابات اخیر در تهران از کل رأی‌دهندگان فقط یک سوم در دور دوم به پای صندوق آمدند حتی آنانی که در دور اول به نامزدهای راه یافته به دور دوم رأی دادند نیز بعضا در دور دوم پای صندوق نیامدند، به همین خاطر است که می‌بینیم مجموع آرای ۳۲ نفر راه یافته به دور دوم افزایش نیافته است.

کسی که دور اول ۳۰۰ هزار رأی آورده در دور دوم ۲۲۷ هزار رأی آورده، یعنی در این فاصله ۶۳ هزار رأی هم از او کم شده است!! این وضعیت نشان می‌دهد که دور اول مشارکت انتخاباتی نیز واجد معنای روشن سیاسی و پایدار نبوده است. شاید فقط برای انجام یک تکلیف صوری بوده که انتخابات واجب را در دور اول انجام داده‌اند و از خیر انجام انتخابات مستحبی! دور دوم گذشتند.

نکته مهم‌تر وجود ۳۳۷۲ نفر نامزد نمایندگی تایید شده است که اساسا انتخابات را بی‌معنا کرده است. اگر از نفر ۱۷۰ به بعد را حضورهای صوری و خانوادگی و رفاقتی و غیر سیاسی بدانیم، حدود ۳۲۰۰ نفر نامزد غیر سیاسی بوده که مردم معمولا به آنان تک رأی داده‌اند، که از ۳۵۰۰ رأی تا ۳۳ رأی به نفر هر یک از آنان تعلق گرفته است.

روشن است که رای‌دهندگان به این نامزدها منطقا در مرحله دوم پای صندوق نخواهند آمد، چون هدف آنان از ابتدا هم حضور انتخاباتی به معنای متعارف نبوده. مگر ممکن است کسی وارد انتخابات جدی در تهران شود و فقط ۳۵۰۰ (یک دو هزارم واجدین حق رأی) یا حتی ۳۳ رأی بیاورد؟ معلوم است که اینجا اهداف دیگری در میان بوده است. در نتیجه باید نسبت به واقعی بودن معنای سیاسی آن مشارکت پایین در دور اول نیز شک کرد، و مشارکت واقعی را معادل همین مرحله دوم دانست.

البته در مرحله دوم نکته مهم دیگری نیز وجود دارد، زیرا نوعی شلختگی در کنش سیاسی دیده می‌شود. جابه‌جایی‌ها و شکست و رأی آوردن‌ها نشان می‌دهد که اختلافات میان اقلیت اصول‌گرایان، بیش از آنکه شفاف باشد، ناشی از زد و بندهای پشت پرده است.

هنگامی که آرای افراد منتخب به ۳ تا ۴ درصد کل واجدین حق رأی می‌رسد، دیگر شاهد رقابت شفاف نخواهیم بود، بلکه با توافقات غیر شفاف و زد و بندهای سیاسی می‌توان تعدادی از مردم را مجاب به رأی دادن یا رای ندادن به افراد مورد نظر کرد و نتیجه را در پشت صحنه سیاست تعیین نمود. بنابراین انتخابات تهران که رکن اصلی انتخابات کشور است، نه واجد معنای رقابت شفاف و نه واجد برنامه سیاسی بود، و از همه مهم‌تر واجد مشارکت معنادار و مثبت نیز نبود. راه یافتن به مجلس با آرای کمتر از ۳درصد، زنگ خطری جدی است که برخی از اصول‌گرایان آن را شنیدند، ولی کافی نیست و باید در سیاست‌های جاری نیز تجدید نظر شود، و الا آثار و تبعات این وضع را در ناامیدی از اصلاح امور خواهیم دید و این خسارت سنگینی برای کشور است.

هاشمی طبا:

مجلس دوازدهم هیچ خاصیتی ندارد جز جنگ و دعوا بین شانا و ماما و قاقا و جانا و مصاف و طواف!

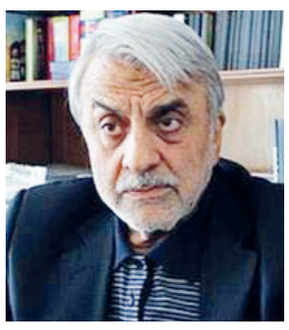

سرویس سیاسی – هاشمی طبا نوشت: مجلس دوازدهم هیچ خاصیتی ندارد؛ چرا که دعوا سر لحاف ملا است.

مصطفی هاشمی طبا در روزنامه شرق نوشت: مجلس موجود با وجود سخنان چندباره رئیس مجلس در خصوص اتخاذ تصمیم‌های مهم و سخت هیچ خاصیتی نداشت.

مجلس آینده هم هیچ خاصیتی ندارد جز جنگ و دعوای گروه‌های خلق‌الساعه شانا و ماما و قاقا و جانا و مصاف و طواف و رفاه و دیگر نوخاسته‌های مدعی سیاست و نه مدعی بهروزی مردم و حیات ایران‌زمین؛ چراکه دعوا سر لحاف ملا است.

در مجالس گذشته و دولت‌های گذشته و در بین علما و متخصصان و دین‌داران بحث بر این بود که توسعه درست است یا پیشرفت. آیا توسعه امری فراماسیونری است و اهداف شیطانی در پشت آن است یا درست است و بالاخره پیشرفت، پیشرفت! کرد و برنده شد.

ترکیب سیاسی مجلس دوازدهم در یک نگاه؛

گرایش مستقلین و اصلاح‌طلبان به ابقای ریاست!

■ با اتمام انتخابات مجلس دوازدهم، ترکیب سیاسی مجلس آینده و اینکه همای ریاست روی دوش چه کسی خواهد نشست، به سوال ناظران تبدیل شده است. گزارش پیش رو پرداختی اجمالی به این پرسش است.

«برخی از افرادی که منتخب مجلس دوازدهم هستند، یکی از محورهای اصلی‌شان، مخالفت با ریاست قالیباف است و برای خودشان هم دلایلی دارند. این افراد اگر بتوانند خودشان یا گزینه‌شان را به عنوان رئیس مجلس بگذارند، موضوع به شکل دیگری پیش خواهد رفت اما اگر قالیباف رئیس مجلس آینده شود، این افراد در مجلس ساکت نخواهند نشست و ممکن است یک‌سری حواشی را در مجلس ایجاد کنند».

سرویس سیاسی – پرونده انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی بسته شد و حالا یکی از مباحث پُر تکراری که این روزها مطرح می‌شود، آن است که مجلس دوازدهم از لحاظ سیاسی چه شکل و شمایلی به خود خواهد گرفت. با توجه به اینکه مجلس دوازدهم از ۷ خردادماه به صورت رسمی آغاز به کار می‌کند، از هم‌اکنون نمی‌توان به صورت قطعی درباره آرایش سیاسی مجلس آینده سخن گفت و هر آنچه گفته می‌شود، مطابق با نظرات کارشناسی سیاسیون و برخی از نمایندگان مجلس است.

در ابتدا باید این نکته را در نظر گرفت که نگاهی به گرایش‌های سیاسی نمایندگان مجلس در ۱۱ دوره قبلی مجلس شورای اسلامی موید این مسأله است که در اغلب ادوار مجلس، معمولاً نمایندگان یا اصولگرا یا اصلاح‌طلب بودند، تا اینکه در مجلس دهم و یازدهم یک فراکسیون سومی تحت عنوان «فراکسیون مستقلین» نیز شکل گرفت که تاکید اعضای این فراکسیون آن بود که مستقل از اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در مجلس تصمیم‌گیری می‌کنند و به هیچ‌یک از این دو طیف سیاسی ریشه‌دار کشور وابسته نیستند.

همچنین فارغ از اینکه گرایش سیاسی برخی منتخبین مجلس دوازدهم هنوز به صورت رسمی اعلام نشده و مشخص نیست، اما گرایش سیاسی قاطبه منتخبان مجلس دوازدهم مشخص است و مطابق با آن می‌توان گفت که مردم در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در رأی دادن خود، صرفاً مفاهیم کلی مانند اصولگرایی و اصلاح‌طلبی را لحاظ نکردند و حتی «لیستی» یعنی به تمام کاندیدای یک لیست انتخاباتی رأی ندادند و بر اساس شناخت از کاندیداها و به صورت گزینشی و از چند لیست انتخاباتی، نمایندگان مورد نظر خود را راهی «خانه ملت» کردند. در واقع، از ویژگی‌های مهم این دوره از انتخابات مجلس شورای اسلامی، ارائه فهرست‌های مختلف توسط جریان‌های سیاسی نظیر شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی (شانا) و جبهه پایداری، شورای وحدت نیروهای انقلاب اسلامی، جبهه صبح ایران، شبکه راهبردی یاران انقلاب (شریان)، ائتلاف مردمی نیروهای انقلاب اسلامی (اُمنا) و «صدای ملت» با محوریت چهار حزب اصلاح‌طلب کارگزاران سازندگی، اعتدال و توسعه، اعتماد ملی و ندای ایرانیان بود و همین مساله ابهاماتی را درباره آرایش سیاسی و تعداد فراکسیون‌های سیاسی مجلس دوازدهم به وجود آورده است.

اصولگرایان به وحدت می‌رسند؟

با وجود آنکه اغلب راه‌یافتگان به مجلس دوازدهم گرایش اصولگرایی دارند، اما چون از فهرست‌های مختلف راهی «خانه ملت» شده‌اند، باید منتظر ماند و دید که آیا آن‌ها با یکدیگر بر سر تشکیل یک فراکسیون سیاسی به وحدت می‌رسند یا آنکه چند شقه شده و در دو یا چند فراکسیون سیاسی در مجلس دوازدهم، فعالیت خواهند کرد.

سرنوشت یاران قالیباف

شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی یا همان «شانا» در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی با «جبهه پایداری» ائتلاف کرد و ۱۰ نامزد اختصاصی شانا از حوزه انتخابیه تهران موفق شدند به مجلس دوازدهم راه یابند؛ به عبارت دقیق‌تر، محمدباقر قالیباف، رضا تقی‌پور، مرتضی آقاتهرانی، اسماعیل کوثری، علی خضریان، مالک شریعتی، زهره سادات لاجوردی، عبدالحسین روح‌الامینی، مجتبی زارعی و علیرضا سلیمی منحصراً از لیست شورای ائتلاف موفق شدند آرای لازم را کسب کنند و راهی بهارستان شوند.

پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که افراد نزدیک به «محمدباقر قالیباف» و کاندیداهای مورد حمایت شانا، یک فراکسیون سیاسی در مجلس دوازدهم تشکیل دهند.

اُمنایی‌ها چه خواهند کرد؟

همچنین در آستانه انتخابات مجلس دوازدهم تشکلی با نام «امنا» در دل جریان اصولگرایی به وجود آمد که در بیانیه اعلام موجودیت ائتلاف مردمی نیروهای انقلاب اسلامی یا همان امنا آمده بود که این تشکل، مدل سهمیه‌بندی در انتخابات را مغایر اصل شایسته‌سالاری و بسترساز حذف نیروهای فاضل و توانمند و رشد افراد غیر شایسته در میدان سیاست می‌داند و تاکیدش بر نفی «قبیله‌گرایی» و «پدرخواندگی سیاسی» است.

امنا همچنین در همین بیانیه اعلام کرد که «هیچ گروه و جریان سیاسی حق ندارد خود را صاحب و مالک مطلق و دائمی پایگاه اجتماعی انقلاب بداند و با ایجاد انحصار و برخورد حذفی، به صورت آمرانه و غیرشفاف، برای مردم و فعالان و بدنه جبهه انقلاب تعیین تکلیف کند». امنا یا همان ائتلاف مردمی نیروهای انقلاب اسلامی در این انتخابات با «جبهه صبح ایران» ائتلاف کرد و ۱۵ نفر از کسانی که از حوزه انتخابیه تهران توانستند راهی مجلس شوند یعنی حمید رسایی، امیرحسین ثابتی، مهدی کوچک‌زاده، کامران غضنفری، روح‌الله ایزدخواه، بیژن نوباوه وطن، ابوالفضل ظهره‌وند، حسین صمصامی، احمد نادری، ابراهیم عزیزی، سمیه رفیعی، پیمان فلسفی، ابوالقاسم جراره، مرتضی محمودی و زینب قیصری هم در لیست انتخاباتی امنا و هم در لیست انتخاباتی صبح ایران منتسب به «علی‌اکبر رائفی‌پور» بودند. البته ناگفته نماند که مجتبی رحمان‌دوست هم یکی دیگر از منتخبین تهران و نامزد اختصاصی امنا است؛ همچنین سید محمود نبویان، حسین صمصامی و محمد سراج هم که موفق به راهیابی به مجلس دوازدهم از حوزه انتخابیه تهران شدند، هم در لیست امنا و هم در لیست شانا حضور داشتند و باید منتظر ماند و دید کنش‌گری سیاسی آن‌ها در مجلس آتی، چگونه خواهد بود و به اصطلاح سمت کدام طرف خواهند ایستاد.

به هر صورت شنیده‌ها حاکی از آن است که افرادی هم که ذیل فهرست امنا و جبهه صبح ایران راهی مجلس دوازدهم شده‌اند، بعید است با طیف نزدیک به قالیباف و نمایندگان راه‌یافته به مجلس از فهرست «شانا» بر سر تشکیل یک فراکسیون سیاسی اجماع کنند و احتمالاً فراکسیون اختصاصی خود را با محوریت افرادی چون حمید رسایی و مهدی کوچک‌زاده تشکیل دهند.

سهم «شورای وحدت» از مجلس

«منوچهر متکی» تنها چهره‌ای است که در تهران از لیست شورای وحدت نیروهای انقلاب اسلامی به مجلس راه یافته است، البته نام متکی در لیست انتخاباتی صبح ایران هم دیده شد. با وجود این و علی‌رغم اینکه اعضای شورای وحدت اعلام کرده‌اند که تعداد نامزدهای اختصاصی این جریان که راهی مجلس دوازدهم شده‌اند قابل توجه است، اما نگاهی به لیست‌های انتخاباتی دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی حاکی از آن است که بسیاری از افرادی که در لیست انتخاباتی شورای وحدت بودند، در لیست‌های انتخاباتی دیگر مانند شورای ائتلاف و امنا هم حضور داشتند و بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعداد منتخبان مجلس دوازدهم که اختصاصی شورای وحدت هستند، اتفاقاً عدد قابل توجهی نیست.

البته ناگفته نماند که شورای وحدت در بیانیه‌ای اعلام کرده که می‌خواهد فراکسیون تشکیل دهد؛ در این بیانیه آمده است: «شورای وحدت به عنوان نخستین گام، اقدام به تشکیل فراکسیون وحدت در مجلس دوازدهم می‌کند و تصمیم‌سازی در سه حوزه بررسی طرح‌ها و لوایح، رأی اعتماد به وزیران و امر مهم نظارت مجلس بر امور کشورداری را بر اساس خرد جمعی و تبادل نظر کارشناسی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های صاحب‌نظران سامان می‌دهد».

احتمال تشکیل فراکسیون مستقلین

علاوه بر این، احزاب اصلاح‌طلب (شامل کارگزاران، ندای ایرانیان، اعتماد ملی و اعتدال و توسعه) که با اجماع حول لیست «صدای ملت» و با شعار اعتدال‌گرایی و میانه‌روی پا به عرصه انتخابات مجلس گذاشته بودند، بدون موفقیت در کسب آرای تهران، در مجموع حدود ۵۰ کرسی را در استان‌ها از آن خود کردند. «مسعود پزشکیان» و «غلامرضا تاجگردون» شاخص‌ترین چهره‌های سیاسی از این طیف هستند.

«غلامرضا نوری قزلجه» رئیس فراکسیون مستقلین مجلس یازدهم که توانسته آرای لازم را برای حضور در مجلس بعدی هم به دست آورد، اخیراً اعلام کرده است که تعداد اعضای فراکسیون در حال تأسیس مستقلین به عدد ۱۰۰ نزدیک شد. بر این اساس و با عنایت به اینکه تعداد اصلاح‌طلبان مجلس دوازدهم عدد قابل توجهی نیست، بعید است که آن‌ها فراکسیون جداگانه تشکیل دهند و به احتمال زیاد همان اتفاق مجالس دهم و یازدهم تکرار می‌شود و اصلاح‌طلبان و نمایندگان مستقل مجلس، ذیل یک فراکسیون سیاسی مشترک تحت عنوان «مستقلین» سیاست‌ورزی خواهند کرد.

نوری قزلجه همچنین در این مورد گفته است: «رایزنی‌های اولیه بین منتخبان مجلس دوازدهم اعم از نمایندگان ادوار، نمایندگان فعلی و نمایندگان جدید انجام و قرار بر این شده است که افرادی با مشی اصلاح‌طلبی، میان‌رو و همچنین اصولگرایان معتدل و مستقل همگی در یک فراکسیون سیاسی تحت عنوان «مستقلین» یا هر نام دیگری که اعضا درباره آن به توافق برسند، باشیم».

«سه فراکسیون سیاسی» مجلس دوازدهم

همچنین برخی نمایندگان فعلی و منتخب مجلس دوازدهم نقطه نظرات خود را درباره گرایش‌های سیاسی احتمالی نمایندگان در مجلس آینده مطرح کرده‌اند؛ حجت‌الاسلام «حمید رسایی» منتخب مردم تهران در مجلس دوازدهم اظهار کرد: «پیش‌بینی من آن است که در مجلس دوازدهم، سه فراکسیون سیاسی شکل بگیرد».

وی افزود: «قاعدتاً طیفی از نمایندگان مجلس دوازدهم، گرایش اصلاح‌طلبی و تمایل به دولت قبل دارند که این طیف، یک فراکسیون جداگانه تشکیل خواهند داد. برخی نمایندگان هم نسبت به محمدباقر قالیباف تمایل دارند که قاعدتاً این طیف هم یک فراکسیون مجزا در مجلس بعدی تشکیل خواهند داد. برخی نمایندگان مجلس دوازدهم نیز که به تازگی به مجلس راه یافته‌اند، در پی تحول و منتقد وضع موجود هستند که آن‌ها هم یک طیف جداگانه خواهند بود؛ این طیف قاعدتاً نسبت به مواضع هر دو طیف مقابل خود، موضع انتقادی خواهد داشت».

حجت‌الاسلام «سیدجواد حسینی کیا» یکی دیگر از منتخبان مجلس دوازدهم نیز معتقد به سه فراکسیونی شدن مجلس آینده است و در گفت‌وگو با مهر، اظهار کرد: «پیش‌بینی من آن است که احتمالاً مجلس دوازدهم متشکل از سه فراکسیون سیاسی باشد».

همچنین «جعفر قادری» منتخب مردم شیراز درباره آرایش سیاسی مجلس دوازدهم، گفت: «اکثریت مجلس بعدی متشکل از افرادی با جریان اصولگرایی است و پیش‌بینی‌ام آن است که مجلس دوازدهم سه فراکسیون سیاسی متشکل از دو فراکسیون برای اصولگرایان و یک فراکسیون برای اصلاح‌طلبان و مستقلین خواهد داشت.»

به هر صورت باید منتظر ماند و دید چند فراکسیون سیاسی در مجلس دوازدهم اعلام موجودیت می‌کند و کدام یک فراکسیون اکثریت و کدام یک فراکسیون اقلیت مجلس آینده خواهند بود.

و اینک ریاست!

یکی از موضوعات مهم دیگر آن است که ریاست مجلس دوازدهم به چه فردی می‌رسد و فراکسیون‌های سیاسی مجلس آتی، چه نگاه و رویکردی درباره انتخاب رئیس مجلس دارند. بر مبنای آنچه برخی منتخبان مجلس آینده می‌گویند و بر اساس شنیده‌ها از راهروی مجلس، افرادی چون «محمدباقر قالیباف»، «منوچهر متکی»، «مجتبی ذوالنوری»، «مرتضی آقاتهرانی»، «حمید رسایی»، «علی نیکزاد» و «حمیدرضا حاجی‌بابایی» به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم برای ریاست مجلس اعلام آمادگی کردند.

همچنین برخی تصور می‌کردند که ممکن است «سیدمحمود نبویان» نماینده فعلی و منتخب اول تهران، گزینه دیگر انتخابات ریاست مجلس باشد که او اخیراً در گفت‌وگویی اعلام کرد که به هیچ وجه قصد ریاست مجلس را ندارد.

میل اصولگرایی

با توجه به اینکه احتمالاً اصولگرایان در دو خیمه فراکسیونی اتراق خواهند کرد، درباره ریاست مجلس بعید است نظر مشترک داشته باشند. از آنجایی که بخش قابل توجهی از راه‌یافتگان به مجلس آینده از لیست مشترک شورای ائتلاف و جبهه پایداری بودند، حال به نظر می‌رسد که این دو جناح همسو، برای رسیدن به گزینه ریاست مجلس راه سختی را طی نخواهند کرد و به واسطه اشتراکات جناحی، یکصدا خواهند بود، اما در مقابل به نظر می‌رسد که شقه دیگر اصولگرایی که از قضا تعداد منتخبان آنان هم عدد قابل توجهی است، مسیر دیگری را طی خواهند کرد. به طوری که حمید رسایی، یکی از چهره‌های سرشناس امنا به محض راهیابی به مجلس دوازدهم، خود را در قامت یکی از گزینه‌های ریاست مجلس معرفی کرد و به عملکرد چهار ساله قالیباف در مجلس یازدهم تاخت. همچنین وی اخیراً جمعی از منتخبان دوره جدید مجلس را به جلسه‌ای دعوت کرده که احتمالاً یکی از نیت‌های اصلی آن، یارگیری برای ریاست مجلس در دوره آینده بوده است. روزنامه «۹ دی» جریده تحت مدیریت رسایی حتی اخیراً تیتر عجیبی زد: «تغییر قالیباف قطعی شد».

مزه دهان مستقلین

با وجود اینکه اصولگرایان اغلب کرسی‌های مجلس دوازدهم را در اختیار دارند، اما این مجلس، طیف اقلیتی به نام مستقلین هم دارد که باید دید مزه دهان آن‌ها برای ریاست مجلس چیست. به طوری که «غلامرضا نوری قزلجه» نماینده منتخب مجلس دوازدهم و رئیس فراکسیون مستقلین مجلس شورای اسلامی درباره انتخاب هیأت‌رییسه مجلس شورای اسلامی گفته است که ما نسبت به عددی که داریم، هم در انتخابات هیأت‌رییسه مجلس اثر خواهیم گذاشت و به همان اندازه در آن انتخابات نیز حضور خواهیم داشت. البته ما حتماً حرف نامزدهای مطرح شده برای ریاست مجلس و دیدگاه‌هاشان را خواهیم شنید و با هر دیدگاهی که احساس کنیم به دیدگاه ما نزدیک‌تر است، تعامل خواهیم کرد.

وی تاکید کرد: «البته این منتفی نیست که از مجموعه ما نامزدی برای ریاست مجلس داشته باشیم و این احتمال چه برای ریاست مجلس و چه برای پست‌های دیگر وجود دارد. به همین دلیل من این موضوع را نفی نمی‌کنم ولی حتی اگر ما نامزدی برای ریاست مجلس داشته باشیم، حتماً باید تعاملی با سایر فراکسیون‌های مجلس شکل بگیرد».

سرنوشت قالیباف؛ بازگشت به نسخه ریاست لاریجانی

با اینکه منتخبین متصل و متصف به لیست امنا و صبح ایران، شانس قالیباف برای جلوس مجدد بر کرسی ریاست مجلس را ضعیف و بعید ارزیابی می‌کنند، لیکن باید تصریح داشت که قالیباف به موجب ۴ سال ریاست بر مجلس، تجربه لازم را کسب و برای تمدید جایگاه خود، بر بسیاری از معادلات آشنایی و احاطه لازم را پیدا کرده است. از طرف دیگر به نظر می‌رسد که طیف اصلاح‌طلب و مستقلین مجلس آینده هم به ریاست قالیباف بیش از سایر گزینه‌ها تمایل داشته باشند.

تمایل نمایندگان اصلاح‌طلب به ریاست یک اصولگرا البته مسبوق به سابقه است. نمونه این مدعا به کرسی نشاندن «علی لاریجانی» در میانه اختلافات با اصولگرایان و ترجیح سیاسی اصلاح‌طلبان و مستقلین به ریاست وی در مجلس دهم بود که گویی باز تاریخ در موعد به صدا درآمدن زنگ مجلس دوازدهم تکرار شده و این طور به نظر می‌رسد که مستقلین و اصلاح طلبان حول محور ریاست «محمدباقر قالیباف» گرد آمده و او را به سایر گزینه‌ها ترجیح دهند.

به طوری که «مسعود پزشکیان» یکی از چهره‌های شاخص و کهنه‌کار جریان اصلاح‌طلبی، پارسال و اندکی پس از پایان دور اول انتخابات مجلس، در پاسخ به احتمال تکیه قالیباف بر صندلی ریاست مجلس دوازدهم گفته بود: «اگر قرار باشد افرادی که در روزهای گذشته، اظهارات غیراخلاقی و غیر منطقی مطرح کردند در قامت ریاست مجلس قرار بگیرند، قطعاً ریاست آقای قالیباف منطقی‌تر به نظر می‌رسد».

کار سخت قالیباف؟

البته چنانچه قالیباف بتواند بار دیگر بر کرسی ریاست بنشیند، با توجه به کامیابی لیست «امنا» و «صبح ایران» در تهران، کارش برای اداره مجلس آینده سخت خواهد شد. در همین‌باره «سید مصطفی میرسلیم» در گفت‌وگو با خبرنگار مهر تصریح کرد: «هنوز نمی‌توان به طور قطعی درباره رئیس مجلس آینده نظر داد، اما قطعاً اگر محمدباقر قالیباف بتواند رئیس مجلس دوازدهم شود، کارش از نظر مدیریت مجلس به سادگی مجلس یازدهم نخواهد بود». میرسلیم تصریح کرد: «برخی از افرادی که منتخب مجلس دوازدهم هستند، یکی از محورهای اصلی‌شان، مخالفت با ریاست قالیباف است و برای خودشان هم دلایلی دارند. این افراد اگر بتوانند خودشان یا گزینه‌شان را به عنوان رئیس مجلس بگذارند، موضوع به شکل دیگری پیش خواهد رفت اما اگر قالیباف رئیس مجلس آینده شود، این افراد در مجلس ساکت نخواهند نشست و ممکن است یک‌سری حواشی را در مجلس ایجاد کنند».

وی در عین حال به نمایندگان مجلس آینده توصیه کرد که از حواشی دوری کنند. میرسلیم در این باره گفت: «در درجه اول باید به فکر مردم و مصلحت‌های کشور باشیم و از سوی دیگر، برای مردم به هیچ وجه جالب نیست که شاهد سلسله درگیری‌های سیاسی در مجلس باشند چراکه می‌دانند این مساله به مفهوم دورشدن از پیگیری نیازهای واقعی مردم و مسایل مختلف جامعه است». با همه این تفاسیر، باید منتظر تشکیل مجلس دوازدهم در روز ۷ خردادماه ماند و دید در نهایت سرنوشت این گمانه‌زنی‌ها به کجا خواهد رسید و ردای ریاست مجلس دوازدهم بر تن چه کسی می‌نشیند.

یک وعده شکست خورده دیگر دولت رئیسی؛

بانک ها: پول نداریم وام ودیعه مسکن بدهیم

سرویس سیاسی – با وجود امکان ثبت‌نام مستاجران در سایت، اما در مراجعه حضوری متقاضیان، برخی از شعب این بانک‌ها اظهار می‌کنند، در حال حاضر اعتباری برای پرداخت تسهیلات ودیعه مسکن نداشته و برخی نیز اظهار می‌کنند هنوز ابلاغیه وام ودیعه ۱۴۰۳ را دریافت نکرده‌اند و منتظر ابلاغیه از سوی بانک مرکزی هستند. سیاست کمک مالی به مستاجرها برای پوشش بخشی از هزینه اجاره‌نشینی، طی نزدیک به دو ماه گذشته از ۱۴۰۳، به در بسته سیستم بانکی برخورد کرده است. نتایج تحقیقات از وضعیت درخواست وام اجاره، مواجهه بانک‌ها با متقاضیان و همچنین اوضاع پرداخت این تسهیلات حاکی است، در سال‌جاری که هنوز «فصل اصلی نقل و انتقال مستاجرها» شروع نشده، بانک‌های مشمول پرداخت وام ودیعه اجاره مسکن، سه دسته شده‌اند. دسته اول که شامل ۹ بانک می‌شود، بانک‌هایی هستند که رسما در فهرست معرفی‌شده بانک‌های ارائه‌کننده تسهیلات ودیعه مسکن برای مستاجران در ثبت‌نام الکترونیکی، جای آنها خالی است. این بانک‌ها که رسما در صحنه پرداخت وام ودیعه حضور ندارند، بانک‌هایی هستند که اعتبار و منابع برای این تسهیلات به آنها تعلق نگرفته است. بانک های دسته دوم، در لیست و فهرست سامانه‌ای که متقاضیان باید ثبت‌نام کنند حضور دارند و نام آنها هنگام ثبت‌نام برای متقاضیان دیده می‌شود. ۱۱ بانک در قالب دسته دوم دسته‌بندی شده‌اند و این به منزله این است که این بانک‌ها از سوی بانک مرکزی اعتبار برای پرداخت وام ودیعه مسکن به متقاضیان مشمول را دارا هستند. با وجود امکان ثبت‌نام مستاجران در سایت، اما در مراجعه حضوری متقاضیان، برخی از شعب این بانک‌ها اظهار می‌کنند، در حال حاضر اعتباری برای پرداخت تسهیلات ودیعه مسکن نداشته و برخی نیز اظهار می‌کنند هنوز ابلاغیه وام ودیعه ۱۴۰۳ را دریافت نکرده‌اند و منتظر ابلاغیه از سوی بانک مرکزی هستند. اما دسته سوم، بانک‌هایی هستند که هم در لیست بانک‌های معرفی‌شده به متقاضیان در فرآیند ثبت‌نام وام ودیعه حضور دارند و هم در مراجعه حضوری مراجعان اعلام می‌کنند حاضر به پرداخت وام ودیعه بوده و اعتبار لازم برای پرداخت تسهیلات ودیعه مسکن را دارند. اما آنچه در این دسته متقاضیان با آن مواجه هستند این است که مسیری که برخی از بانک‌های این دسته برای پرداخت وام ودیعه مقابل مستاجران قرار می‌دهند شبیه یک ماراتن پیچیده است و شرایطی را پیش پای مستاجر قرار می‌دهند که در صورت محقق شدن این شرایط توسط مستاجر، بانک می‌تواند به آنها تسهیلات بدهد. این شرایط از جنسی است که بعضا مستاجران هرگز نمی‌توانند آن را فراهم کنند که از جمله شرط رایج این دسته از بانک‌ها می‌توان به ارائه دو ضامن دولتی با حداقل حقوق بالای ۲۰ میلیون تومان توسط مستاجرها اشاره کرد. شرطی که اکثر مستاجران توان تامین آن را ندارند.

صنایع چوب حلاج کیش
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۶۹۸۲۵۲